

خبرها

ادامه تصویربرداری «اگر عشق نبود»



تصویربرداری سریال داستانی اگر عشق نبود بعد از گذشت چهار ماه همچنان در تهران ادامه دارد و از روز شنبه سوم تیرماه گروه سازنده این سریال تصویربرداری در لوکیشن‌های اصلی را آغاز کرده‌اند.
شخصیت‌های جوان در سریال‌های تلویزیونی همیشه با اقبال زیادی از سوی مخاطبان مختلف مواجه شده‌اند. حالا شبکه یک سیما در سریالی داستانی به سراغ چند جوان رفته تا با روایت قصه زندگی آنها در جامعه امروز سریالی ۲۶ قسمتی را برای مخاطبان خودبه تصویر بکشد. این سریال با نام «اگر عشق نبود» به تهیه‌کنندگی محمد رضایی و به کارگردانی فیاض موسوی براساس فیلمنامه‌ای از این کارگردان مقابل دوربین رفته است.
ماجراهای محوری این سریال در جمع اعضای چند خانواده رخ می‌دهد. در هر یک از این خانواده‌ها جوانانی حضور دارند که با یکدیگر تضاده‌ها و تفاوت‌های عمیقی دارند و این مسئله در موقعیت‌های مختلف، حوادث این سریال را رقم می‌زند. آنچه که در ادامه داستان ماجراهای این سریال را جذاب‌تر می‌کند، ساز شدن پای بزرگ‌ترها در ادامه داستان به ماجراهای است که توسط این جوانان رقم خورده‌است.
به گزارش خبرنگار ما داستان این سریال از جایی آغاز می‌شود که این جوانان بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه، شرکتی تأسیس می‌کنند تا در زمینه ارائه خدمات و مشاوره‌های ساختمانی فعالیت کنند. در این اثر حدود ۱۴۰ بازیگر در نقش‌های مختلف حضور دارند که از میان آنها حدود ۱۵ بازیگر نقش‌های محوری داستان را ایفا می‌کنند. بازیگران این سریال ترکیبی از چهره‌های جوان و قدیمی عرصه بازیگری هستند. مهدی پاکدل، شبنم قلی‌خانی، سام درخشانی و. . . در سریال اگر عشق نبود نقش آفرینی می‌کنند. این سریال در گروه فیلم و سریال شبکه یک سیما تولید می‌شود.
تصویربرداری به شیوه دیجیتالی از سی بهمن ماه سال ۸۴ آغاز شده و تا پایان مردادماه امسال ادامه خواهد داشت. در مدت ساخت این سریال جمعاً ۸۴لوکیشن در بخش‌های مختلف شهر تهران و هویزه در جنوب کشور مورد استفاده گروه قرار خواهد گرفت.

سرزمین رنگین کمان

با ساخت برنامه‌ای تلویزیونی به کارگردانی محمدابراهیم سلطانی‌فر تهران دیدنی تر می‌شود. تهران برای خیلی از ساکنان آن و کسانی که نام این شهر را شنیده‌اند، چیزی جز برج‌های بلند، خیابان‌های شلوغ و هوای آلوده نیست اما در همین استان و شهرستان‌های اطراف آن دیدنی‌های زیادی وجود دارد که به زودی در برنامه‌ای با نام «سرزمین رنگین‌کمان» محصول شبکه پنج سیما به تصویر کشیده خواهد شد.
برنامه تلویزیونی «سرزمین رنگین کمان» به کارگردانی محمدابراهیم سلطانی‌فر در قالی تازه‌تلاش دارد تا تصویر زیباتری از جغرافیای استان تهران ارائه کند. به گزارش خبرنگار ما سلطانی‌فر در این برنامه به سراغ سبک و سیاقی تازه رفته است. این برنامه درصدد از کل کار مستند ۳۵ درصد هم ساختاری داستانی دارد. البته تصویربرداری



بخش مستند سال گذشته طی حدود ۸۰ روز انجام شد. در این مرحله ۶۰ تا ۷۰ ساعت تصویر مستند از جاذبه‌های استان تهران تهیه شده و در حال حاضر در حال تصویربرداری بخش‌های داستانی با حضور دو شخصیت بازیگر – الاز بهمن‌زاده و ایمان عنايتی – انجام می‌شود. سلطانی‌فر درباره سبک و سیاق خاص کاری خود به خبرنگار ما می‌گوید: «شبه کار به این صورت است که این دو بازیگر در نقش زن و شوهری جوان، برای تهیه عکس و فیلم از جاذبه‌های طبیعی استان تهران و شهرستان‌های اطراف آن به یک سفر می‌پردازند. یکی از آنها عکاس و دیگری تصویربردار است. آنها تازه ازدواج کرده‌اند و هر بار باحضور در یک منطقه خاص به معرفی یکی از جاذبه‌های گردشگری می‌پردازند. البته این فعالیت تحقیقی سبب می‌شود که آنها به شناخت تازه‌ای از هم دست پیدا کنند. سلطانی‌فر در گفت‌وگو با خبرنگار ما در تشریح جزئیات بیشتری از سبک و سیاق کاری خود در ساخت این برنامه می‌گوید: نمایش واقعیت به شکل عریان خالی از لطف است. یکی از دغدغه‌های ما در ساخت این اثر ایجاد جذابیت است و به همین دلیل در این مسیر تصاویر مستند در تلفیق با تصاویر داستانی با زندگی آمیخته و دراماتیزه خواهد شد. برای ساخت هر قسمت از سرزمین رنگین‌کمان فیلمنامه نوشته شده داریم اما گاه براساس بداهه و اتفاق‌هایی که در صحنه رخ می‌دهد مسیر قصه تعیین می‌شود و گاه حقیقت ماجرای که سر صحنه رخ می‌دهد مسیر تازه‌ای را پیش پای ما قرار می‌دهد. در این برنامه طی سیزده قسمت دوربین فرشیدهٔ رسولی به سراغ آثار تاریخی ثبت شده و نقاط دیدنی اطراف تهران می‌رود. منطقه طالقان و الموت، ارتفاعات توچال و هتل توچال، کاروانسرای سنگی، دماوند، شمیرانات، شهرستانک، فیروزکوه و. . . برخی از این جاذبه‌هایی است که در این برنامه شاهد آن خواهید بود.

حدود هشت سال پیش در حالی که در جریان توسعه شبکه‌های تلویزیونی در تلویزیون ایران، تعداد سریال‌های کم‌ارزشی که از شبکه‌های مختلف پخش می‌شد رو به افزایش بود، پخش یکی از جذاب‌ترین سریال‌های تلویزیونی جهان در دهه نود، اتفاق جالبی بود که در شبکه دوم افتاد. پخش سریال «جاده‌ای به سوی آونلتا» که در ایران با نام «قصه‌های جزیره» به روی آنتن می‌رفت سبب شده بود که اکثر مردم هر چهارشنبه ساعت ۹ شب پای تلویزیون بنشینند و این سریال دیدنی را تماشا کنند. از اول تابستان امسال نیز شبکه یک سیما ساعت چهار عصر هر روز بار دیگر این سریال را پخش می‌کند. «قصه‌های جزیره» چنان سریال ارزشمندی است که تماشاای دوباره آن حتی برای کسانی که سال‌ها قبل تماش را تماشا کرده‌اند جذاب به نظر می‌رسد.
سریال تلویزیونی «جاده‌ای به سوی آونلتا» یا همان «قصه‌های جزیره» در فواصل سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۶ در کانادا و ایالات متحده پخش شد. این مجموعه تلویزیونی که

به مدت هفت سال از شبکه سی بی‌اس پخش شد، محصول مشترک کانادا و آمریکا (با همکاری کوین سولیوان، شرکت دیسنی) بود. اگرچه شرکت دیسنی بعدها سهم بیشتری در تولید این سریال داشت و منجر به ماجراهای عجیبی شد که مقدمات توقف سریال را فراهم ساخت. «قصه‌های جزیره» براساس اقتباسی آزاد از کتابی به قلم «هود مونتگومری» نویسنده مشهوری است که پیش از این سریال «آن و رویاهای سبز» براساس کتاب دیگری از او ساخته شد. «آن و رویاهای سبز» همان سریالی است که در ایران نیز پخش شد و آن شولی، دختر موقومز را به یکی از شخصیت‌های خاطره‌انگیز تلویزیونی تبدیل کرد. اگرچه داستان «قصه‌های جزیره» در جزیره پرنس ادوارد می‌گذرد اما سریال در آکسیبورگ اونتاریو فیلمبرداری و نماهای داخلی در تورنتو گرفته شد. سریال در شهری خیالی در جزیره پرنس ادوارد در اوایل قرن بیستم (۱۹۱۲ – ۱۹۰۳) می‌گذرد. در آنجا سارا استنلی (سارا پولی) توسط پدر ثروتمندش نزد خاله‌هایش هتی و اولیویا کینگ فرستاده می‌شود تا در کنار خانواده مادر مرحومش زندگی کند. سریال روی فعل و انفعالات پیرامون مواجهه سارا با خویشاوندان تازه‌یافته‌اش متمرکز می‌شود و داستان‌هایی درباره خانواده کینگ را بازگو می‌کند.

بعدها قسمت‌هایی از سریال بیشتر به آن دسته از ساکنین آونلتا می‌پردازد که با خانواده کینگ در ارتباط هستند و سرانجام سارا پولی از جریان داستان حذف می‌شود و فقط چند بار به عنوان بازیگر میهمان در سریال حضور پیدا می‌کند.

روایت «قصه‌های جزیره» در ۱۴۰ کشور

«قصه‌های جزیره» را می‌توان موفق‌ترین سریال کانادایی نامید که به مدت هفت سال از شبکه سی بی‌اس پخش شد. موفقیت کم‌نظیر این مجموعه تلویزیونی سبب شد که پس از پایان پخش آن در داخل کانادا، به ۱۴۰ کشور جهان فروخته شود. البته همزمان با موفقیت سریال در کانادا، تهیه‌کنندگان «قصه‌های جزیره» تغییراتی در داستان ایجاد کردند تا سریال جذابیت بیشتری برای مردم دیگر کشورهای جهان داشته باشد. «جاده‌ای به سوی آونلتا» جوایز متعددی نیز کسب کرد. از بین ۲۸ جایزه‌ای که به این سریال تعلق گرفت چهار جایزه امی از بقیه برجسته‌تر بود. در سال ۱۹۹۷ دیدان ویست به خاطر بازی در این سریال جایزه امی بهترین بازیگر مهمان را از آن خود کرد. در سال ۱۹۹۵ نیز جایزه امی طراحی صحنه به مادلین استیوارت رسید.

دو سال قبل از آن نیز جایزه امی بهترین برنامه برای کودکان نصیب مجموعه تلویزیونی «جاده‌ای به سوی آونلتا» شد. در سال ۱۹۹۲ نیز جایزه بهترین بازیگر اصلی به این سریال تعلق گرفته بود. موفقیت سریال سبب شد که DVD آن در آمریکا بسیار پرفروش باشد. هنگام توزیع سریال به صورت DVD در ایالات متحده نام آن به «آونلتا» تغییر یافت.

نقش‌های اصلی

هتی کینگ (جکی بروز): معلم معوق، جدی و میناسال مدرسه آونلتا. او به همراه خواهرش اولیویا و خواهرزاده‌اش سارا در رزکوئینج زندگی می‌کند. وقتی که سارا با دایه‌اش در اروپاست، هتی سرپرستی دیوی و دورا، دوقلوهای خانم لیند را قبول می‌کند. سارا استنلی (سارا پولی): دختری ۱۱ ساله ماجراجویی که به زندگی مرفه در مونترال عادت کرده، یادی می‌گیرد که خودش را با زندگی ساده‌تر در آونلتا وفق دهد. وقتی که او به آونلتا می‌رسد با خاله‌های مجردش هتی و اولیویا زندگی می‌کند. بعدها سارا با دایه‌اش به اروپا سفر می‌کند.

اولیویا کینگ (مگ رافمن): خاله مهربانتر و جوانتر سارا. او بعداً با جاسپر دیل ازدواج می‌کند و رزکوئینج

تلفیزيونيون

درباره مجموعه تلویزیونی «قصه‌های جزیره» به بهانه پخش از شبکه دو

دل‌بند کانادایی

مجتبی پورمحسن



با ترک می‌کند. اولیویا پیش از ازدواج، به عنوان گزارشگر برای روزنامه محلی کار می‌کند. در جریان همین کار است که اولیویا و جاسپر دیل به هم نزدیک می‌شوند، چرا که جاسپر عکاس مطالب اولیویا است. جاسپر و اولیویا صاحب یک بچه به نام مونتگومری هم می‌شوند.

آلک کینگ (سوریک اسمیت): آلک برادر هتی و اولیویا و دایی سارا است. او کشاورز است و با خانواده‌اش در همسایگی رزکوئینج در مزرعه کینگ زندگی می‌کنند.

ژانت کینگ: ژانت همسر مهربان آلک است.

فیلیسیتی کینگ (جما رامبروگانا): دختری ۱۳ ساله آلک و ژانت. او اغلب وظایفش را به عنوان دختر بزرگ خانواده انجام نمی‌دهد و خود را برتر از خواهر و برادر

و دخترعمه‌اش، سارا احساس می‌کند. او در طول سریال چند بار تصمیم به ازدواج می‌گیرد اما در پایان با گاس پایک ازدواج می‌کند. فیلیسیتی در طول سریال کنار خانواده مادر مرحومش زندگی کند. سریال روی فعل و انفعالات پیرامون مواجهه سارا با خویشاوندان تازه‌یافته‌اش متمرکز می‌شود و داستان‌هایی درباره خانواده کینگ را بازگو می‌کند.

فیلیکس کینگ (زاخاری بنت): پسر ده‌ساله آلک و ژانت. او بچه بازیگوشی است که اغلب به دردمسر می‌افتد. فیلیکس با ایزی دختر معلم تازه‌بیره شده آقای پتیپورن دوست می‌شود. در فصل‌های بعدی سریال بین

فیلیکس و ایزی رابطه عاشقانه برقرار می‌شود. سبیلی کینگ (نقش او را در ابتدا هارمونی کرامپ و پس از آن مولی آتکینسون بازی کرد): تغییر بازیگر زمانی رخ داد که سبیلی به سل مبتلا شد و به آسایشگاهی در ایالات متحده رفت. او بیش از برادرش فیلیکس به کار در مزرعه علاقه‌مند است.

گاس پایک (مایکل ماهورن): جوان خانه به دوشی که به مرور احترام و توجه اهالی شهر را جلب می‌کند (فصل‌های ۲ تا ۵) گاس، ملوان هم هست. او مدتی آونلتا را ترک می‌کند تا پدر و مادرش را که حلس می‌زند مرده‌اند، پیدا کند. پس از وقوع یک گردباد بزرگ، همه تصور می‌کنند که گاس مرده است اما فیلیسیتی و هتی، او را در ساحل شرقی آمریکا می‌یابند. گاس کور شده و فیلیسیتی و هتی او را برای عمل جراحی به کانادا می‌آوردند تا بینایی‌اش را بازیابد. پس از انجام جراحی، گاس و فیلیسیتی با هم ازدواج می‌کنند.



سال سوم ■ شماره ۷۹۹ *شرق*

سینما در سینما

نگاهی به فیلم پای چپ من پیروزی اراده

مجتبی عبداللهی

پای چپ من اثر جیم شریدان ماجرای غلبه «اراده قوی» بر «ضعف بدنی» و «خواستن» بر «نخواستن و سستی» است. کریستی جوانی است که همه جای بدنش جز پای چپش فلج است و تنها عاملی که او را سر پا نگه می‌دارد، اراده و امید است و البته در این مسئله نباید نقش مادر سخت‌کوش و منبع امید او و مربی فداکار او را هم از یادبرد. کریستی جوان با «استمرار و تلاش»، دو عنصر اساسی در موفقیت نه‌تنها بر ناتوانی بدنی غلبه می‌کند بلکه از سایر خواهران و برادرانش هم فراتر می‌رود. مراسم تجلیل از او نه فقط به واسطه ترحم به او بلکه به‌خاطر آثار بزرگی است که او هماننددیگر هنرمندان می‌آفریند و همه را به تحسین وامی‌دارد و به این اصل که استعداد در پرمشقت‌ترین شرایط هم می‌تواند خود را نشان دهد مهر تاییدی می‌زند. سخنگوی کریستی نه زبان‌الکن او بلکه پای چپ او است. پای که همه کار می‌کند و جور سایر اعضای بدنش را برعهده می‌کشد، به آفرینش هنری می‌پردازد، در کارها یاری‌دهنده‌اش است و هنگامی که غریبه‌ای به پدر فوت‌کرده‌اش توهین می‌کند از او انتقام می‌گیرد. همین پا است که ملاط سیمان درست می‌کند تا کمک‌حال مادرش باشد و این در حالی است که سایر برادران همانند پدر آن‌چنان خاصیتی از خود بروز نمی‌دهند، آنها محافظه‌کار و ترسو هستند و حتی جسارت اعتراض را هم ندارند و همین روحیه جورانه کریستی است که به اتکای آن به خودبیاوری و اعتماد به‌نفس می‌رسد و با وجود شرایط ناساعد بدنی، پوسته ناتوانی‌اش را پاره می‌کند و دست به خلق آثاری بزرگ می‌زند. فیلم نه‌تنها درباره اراده قوی یک انسان بلکه در ستایش روح لطیف و هنرمندانه‌ای است که با عواطف و شعور انسانی خود سرانجام خانم مربی‌اش را وادار به پذیرش عشقش می‌کند. محیط نقش دوگانه‌ای برای سیر زندگی کریستی ایفا می‌کند؛ گاه در یک طرف با پدیری سختگیر و بی‌تفاوت به اضافه تنگدستی خانواده‌ومواجهیم که آثار منفی خود را در بروز استعداد کریستی به حراج می‌نهد و از طرفی هم با پشتیبانی مادر و مربی روبه‌رویم که مایه دلگرمی او هستند و حمایت کافی را از کریستی می‌کنند.

نقش مادر در بروز استعداد و خلاقیت او چشمگیر است. اوست که همه بار زندگی را به تنهایی بر دوش می‌کشد و با وجودیکاری‌شوهر زندگی را اودامی می‌کند و با صبر وطمأنینه از فرزندانش بخصوص کریستی افلیج در برابر اخلاق تند شوهرش حمایت می‌کند. مادر در اوج تنگدستی و اوضاع وخیم اقتصادی آن سال‌های ایرلند که ناشی از استعمار بود فرزنداناش را از پا فراتر گذاردن از دایره اخلاق منع می‌کند و آنها را به‌واسطه سرق‌ت زغال‌سنگ‌نهبی می‌زند تا به شرافت این نوع زندگی‌هاطمه نخورد، شرافتی که حاصلش ظهور شاعر و نویسنده و نقاشی بزرگ است و جالب است که آنکه بیشتررنج می‌بردبه‌مراتب بالاتر می‌رسد. کارگردان گاه با نشان دادن تاکامی و سرخوردگی و یاس کریستی او را آدمی معمولی به تصویر می‌کشد، انسانی که گاهی هم کم می‌آورد و شکست بر او غلبه می‌کند اما با این وجود ادامه می‌دهد. او قدرتی ماورایی و فوق بشری ندارد و تنها پشتیبکار و استعداد است که موجب پیروزی او می‌شود. شریدان در این فیلم در به‌وجودآوردن فضای واقعی خانواده‌ای قفرزده و روابط متشنج بین آنان موفق عمل می‌کند. عشق شکل گرفته بین کریستی و خانم مربی ابتدا تصور ترحم را به‌وجودمی‌آورد ولی با دقت در آن لایه‌های عمیق‌تر درک و فهم متقابل بین دو روح آشنا می‌توان در آن جست. فیلم با وجودی که بیانگر مشکلات خانوارهای پرجمعیت و فقیر است اما تا حد امکان در وادی احساسات و ملودرام نمی‌افتد و سعی دارد پیوگرایی کریستی بران نویسنده‌ایرلندی را که سرشار از موانع بوده است بازگو نماید، بدون اینکه دلسوزی تماشاگر را به‌خود جلب کند. بازی زیبای دانیل وی لوئیس که سه مرحله از زندگی کریستی را به‌خوبی بازی می‌کند با‌بودن جایزه اسکار تایید و ستایش می‌شود.

خبر

سریال‌های خارجی تابستان شبکه تهران
مجموعه‌های خارجی «شوگان»، «مرکز پزشکی»، «سری جدید» «هشار برای کبری ۱۱»، «پزشک خانواده» و «راز گنج پنهان» تابستان از شبکه تهران روی آنتن می‌رود.
سریال «مرکز پزشکی» از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۲ در کارگردانی لوسی گانون ساخته و پخش شد. ژانر این سریال درام و محصول کشور بریتانیا است. در این سریال کوین وتلی، آماندا برکن، ساین تشرید، کری میوزر، ساساکیاوکام، آدرین لاکوئین، جوزف میلسن و کری اوبراین به ایفای نقش پرداختند. داستان این مجموعه در باره چند پزشک است که با شراکت یکدیگر یک مرکز پزشکی تأسیس می‌کنند و با پیوستن جک به آنها در هر قسمت داستان‌های مختلف و مرتبط با کار برای آنها اتفاق می‌افتد.
نیزآنا کارگردانی در سال ۱۹۸۸ مجموعه «پزشک خانواده» را در ژانر کمدی جلز دوربین برد. جوزپ به پانلوکو فیلمنامه این مجموعه را بر اساس داستانی از دیوید بلینی نوشته است. در این سریال بازیگرانی چون جولینو اسکارپاتی، کلودیو پاندولفی، یوگو دیگرو، ادی انجلیو و ادایا رینالدی به ایفای نقش پرداختند. این سریال محصول کشور ایتالیا است و داستان آن درباره پزشکی است که پس از فوت همسرش به همراه خانواده و فرزندانش به شهر دیگری نقل مکان می‌کنند و در آنجا در هر قسمت برای هر کدام از شخصیت‌های داستان اتفاقات جالبی رخ می‌دهد که این سریال را به یک برنامه کمدی خانوادگی تبدیل کرده که برای بیننده ایرانی جذابیت فراوانی دارد.
سریال «شوگان» هم در سال ۱۹۸۰ به کارگردانی جری لندن ساخته شد.
اریک برکروویچی فیلمنامه این سریال را بر اساس رمانی از جیمز کلاول نوشته است. این سریال در ژانر ماجراجویانه و درام، محصول مشترک آمریکا و ژاپن است. در این سریال ریکاردو چمبرلین، دیمین توماس، آلن بیدل، توشیرو میفونه و یاکو شیمادا به ایفای نقش پرداختند.
داستان این سریال در قرن ۱۶ میلادی می‌گذرد که تعدادی ملوان انگلیسی به رهبری بلک بر در جست‌وجوی سرزمین ناشناخته از ژاپن سر درمی‌آوردند و در آنجا با فرهنگ ژاپن آشنا می‌شوند.

عضو برجسته حزب دموکرات جدید شد و پیتر کوره‌وس نماینده مردم اورتاریو در مجلس، مرشد سیاسی او محسوب شد.

در سال ۱۹۹۵ چند تا از دندان‌های سارا پولی در درگیری با پلیس شکست. او در کوئینز پارک تورنتو به اقدامات دولت محافظه‌کار محلی مایک هریس اعتراض کرده بود. او در سال‌های اخیر به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه داد اما همچنان یکی از بازیگران جوان و محبوب آمریکای شمالی به شمار می‌رود.

پس از حادثه تورنتو او به عرصه سینما بازگشت و در فیلم «شیرینی جهان پس از مرگ» ساخته آتوم اگویان بازی کرد و در ایالات متحده مورد توجه قرار گرفت. سارا پولی در جشنواره فیلم ساندنس یکی از بازیگران محبوب بود. او قرار بود نقش پنی لین را در فیلم «تقریباً مشهور» بازی کند اما کار را رها کرد و به کانادا برگشت تا در فیلم کم هزینه «قانون حریم‌ها» بازی کند. در سال ۲۰۰۶ اعلام شد که او اولین فیلم بلندش را کارگردانی می‌کند.

فیلم «دور از او» براساس داستان کوتاهی از آلپس مونرو ساخته شد. سارا پولی که هم اکنون ۲۷ساله است در سال ۲۰۰۳ با دیوید وارنسی ازدواج کرد.

روایت نوستالژیک از زندگی در روستا

تعداد سریال‌هایی که از شبکه‌های مختلف تلویزیونی پخش می‌شود بسیار زیاد است. با گسترش ارتباطات و شکل‌گیری تلویزیون‌های کابلی هر روزه تعداد زیادی سریال تلویزیونی در حال ساخت است. اما از بین این همه تنها چند سریال می‌توانند همچون «قصه‌های جزیره» مورد توجه قرار بگیرند. شاید بتوان موفقیت «قصه‌های جزیره» را در دهه نود با مجموعه تلویزیونی «دوستان» در سال‌های اخیر مقایسه کرد. اگرچه «قصه‌های جزیره» در زمان ساختش یکی از پرهزینه‌ترین سریال‌هایی بود که در کانادا تولید شد اما موفقیت این سریال بیش از هر چیزی به ساختار قوی قصه آن برمی‌گردد. ساختار داستان سریال، ثابت است. پیرنگ اپیزودها براساس روابط بچه‌ها با یکدیگر و ورود تدریجی‌شان به دنیای بزرگسالان و زندگی اجتماعی استوار است. ساختار سریال «قصه‌های جزیره» مبتنی بر گذر بچه‌ها به دنیای بزرگسالی با روایتی آرمانگرایانه و نوستالژیک از زندگی اجتماعی در روستا است. داستان «قصه‌های جزیره» در آغاز جنگ جهانی اول تمام می‌شود. این واقعیت سبب می‌شود که ارتباط کودکی، خانواده و اجتماع در یک دوره زمانی توام با آرامش مستحکم‌تر شود.

شخصیت‌پردازی قوی، برجسته‌ترین ویژگی سریال «قصه‌های جزیره» است. این ویژگی خصوصاً در مورد شخصیت‌های کودک بارز است و باعث می‌شود تا از یک سو تماشاگران خردسال با نقش‌ها، احساس همدات‌پنداری کنند و از سوی دیگر بزرگسالان بخشی از خاطرات کودکی‌شان را در مقابل خود ببینند. در خلق شخصیت‌های خردسال و به طور مشخص سارا، فیلیکس و فیلیسیتی بیش از اینکه نگاهی اخلاق‌گرایانه وجود داشته باشد، رویکردی واقع‌گرایانه به چشم می‌خورد. هر کدام از این سه شخصیت شخصیت‌ها، خوبی‌ها، بدی‌ها، بدجنسی‌ها و مهربانی‌های خاص خودشان را دارند. همچنان‌که خاله هتی با اخلاق تند و جدی‌اش هیچ گاه مغضوب تماشاگر نمی‌شود چرا که در خلق شخصیت او با تیزبینی، رگه‌هایی از مهربانی و دیگر خواهی (البته به روش خودش) گنجانده شده است. دیگر شخصیت‌های سریال نیز چنان طراحی شده‌اند که در کنار شخصیت‌های اصلی بتوانند واقعیتی از زندگی اجتماعی را شکل دهند. فراز و فرود ویژگی‌های شخصیتی نقش‌های مختلف مبتنی بر تفاوت‌های رفتاری در زندگی واقعی است.

از سوی دیگر، اگرچه وجه اجتماعی در سریال اهمیت دارد اما پیگیری داستان در اولویت قرار نمی‌گیرد. بر همین اساس در هر زمینه قرار گرفتن کارکردهای اجتماعی، هم داستان از جذابیت نمی‌افتد و هم اینکه اهداف اجتماعی با این شگرد بیشتر تأمین می‌شود. سریال در یک منطقه روستایی و در شهری بسیار کوچک اتفاق می‌افتد. اما برخورد شخصیت‌ها در جهت بازآفرینی دنیای مدرن است. در «قصه‌های جزیره» به مرور شاهد شکل‌گیری هسته‌های اجتماعی و نهادهایی هستیم که در عصر مدرن کارکرد یافته‌اند. تماشاگر سریال علاوه بر دنبال کردن سریالی جذاب، با وجوهی از تاریخ به زبان داستانی نیز آشنا می‌شود. نکته دیگری که در سریال مورد توجه قرار می‌گیرد شیوه زندگی در کشوری مثل کانادا است که مبتنی بر زندگی مسائلتی‌آمیز شخصیت‌هایی با هویت‌های مختلف در کنار یکدیگر است.

به همین دلیل است که قصه‌های جزیره، علاوه بر کانادا در آمریکا نیز با استقبال روبه‌رو و زمینه موفقیت جهانی آن فراهم می‌شود. «آونلتا» نه اتوپایی ذهنی، بلکه شهری زمینی در بطن داستانی ظرفیت است که در آن آدم‌ها با ویژگی‌های ذاتی‌شان – مثبت یا منفی – در کنار هم زندگی می‌کنند و تاریخ را می‌سازند.